

## بررسی اصالت مباشرت و ادعای ظهور ادله اذان در مباشرت

صاحب جواهر نسبت به اذان صلاتی فرموده است: «ظاهر الادلة كون الخطاب به كخطاب الصلاة و قنوتها و تعقیبها یراد منه المباشرة من المكلفین ... او السماع على الوجه المخصوص دون النيابة»<sup>۱</sup>.

لكن اذان اعلامی را مشروط به مباشرت شخص خاص نمیداند و لذا اجاره آن را تنها به دلیل خاص ممنوع می داند.<sup>۲</sup>

محقق خوئی نیز همین ترتیب را طی میکند، و می فرماید: «لظهور الادلة في اعتبار المباشرة كما لا يخفى»<sup>۳</sup>.

لكن محقق حکیم در مساله ابراز تردید می کند و بعد از نقل کلام فوق از صاحب جواهر می فرماید:

«و فيه ان ذلك لو سلم فانما يمنع من وقوع الاجارة على الاذان بعنوان النيابة اما لو كان على الاذان المأتی به لصلاة الاجیر لغرض للمستاجر في ذلك... فلا يصلح للمنع عنها»<sup>۴</sup>.

به نظر می رسد در این باره - مثل محقق حکیم - قدری باید تامل کرد و ظهور مورد ادعا را مورد تامل قرار داد! مخصوصا با توجه به اینکه «اكتفا به اذان غير در صورت سماع از او» را داریم، بدون این که بین نماز جماعت و غیر آن تفاوت باشد،<sup>۵</sup> فتامل<sup>۶</sup> قیاس به مثل خطاب به صلات و قنوت نیز ناصحیح است.

ملاحظه نصوص اذان (و حتی اقامه نیز) اگر هدایتی به عدم اعتبار مباشرت نداشته باشد، دلالتی بر اعتبار مباشرت در حد ظهور و «لا يخفى» که گفته شد، ندارد. حتی ممکن است گفته شود: ظهور مثل موثوقه سماعة در اعم از مباشرت و غیر مباشرت است. روایت این است:

«الحسين بن سعيد عن الحسن اخيه عن زرعة عن سماعة ... قال: قال ابو عبدالله - عليه السلام - : لا تصل الغداة و المغرب الا باذان و اقامة»<sup>۷</sup>.

ادعای اصل مباشرت الا ما خرج نیز مسموع نیست.

البته مساله مجال پی گیری جدی دارد.

صاحب جواهر که سخنان فوق را دارد، در مجال دیگری فرموده است:

۱. جواهر الکلام، (چ ج)، ج ۹، ص ۱۲۲.

۲. همان، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۳. مستند العروة الوثقی، (کتاب الصلاة)، ج ۲، ص ۴۱۴.

۴. مستمسک العروة الوثقی (چ ج)، ج ۹، ص ۲۷۸.

۵. ر.ک: جواهر الکلام، ج ۹، ص ۱۲۲.

۶. اشاره به آن چه در جواهر الکلام (به وصف سابق) آمده است.

۷. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۵۵ (=ص ۵۱).

«قد يستفاد من التامل في كلام الاصحاب أن الاصل جواز الوكالة في كل شيء كما يومی الى ذلك ذكر الدليل فيما لا تصح فيه من النص على اعتبار المباشرة و نحوها، مما يمنع من الوكالة دون ما صحّت فيه، و لعلّ مرجع ذلك الى دعوى اشتراط المباشرة و نحوها مما يمنع الوكالة، والاصل عدمها. و لا يكفي في امتناعها ثبوت مشروعيتها حال المباشرة ، فإنّ ذلك لا ينافي عموم ما دلّ على جواز الوكالة، إنّما ينافيه اعتبارها شرطا و أصالة عدم الوكالة قد انقطع بثبوت مشروعيتها ، كغيره من العقود ، بل الظاهر الاكتفاء في اثبات عمومها بنحو قول الصادق – عليه السلام – في صحيح ابن سالم : «ان الوكيل اذا وکل ثم قام عن المجلس فأمره ماض ابدًا و الوكالة ثابتة حتى يبلغه العزل» ... و بالجمله من أعطى التامل حقه في هذه النصوص و ما شابهها يكاد يقطع بما ذكرنا خصوصا مع ملاحظة التمسك من الاصحاب في كل عقد بالعمومات جائزها و لازمها، و ليس في شيء منها سوى ما دلّ على مشروعية طبيعتها، المقتضى للمشروعية في كلّ فرد من أفرادها التي حلّت فيه الطبيعة، حتى يعلم فساده. فالحكم الشرعي في خصوص الفرد الذي هو محلّ الشك مستفاد من الجواز الثابت للطبيعة حينئذ بعد فرض تحقق الاطلاق العرفي الذي لا مدخلية للصحة الشرعية فيه، فإنها اسم للاعم من الصحيح و الفاسد.

و بذلك ظهر لك مشروعية الوكالة في كل شيء الا ما علم خروجه ...»<sup>۸</sup>.

و این که باب وکالت از باب اجاره جدا شود و جواز در اول نشانِ جواز در دوم قلمداد نشود، قابل استماع نیست. ما در مساله یازدهم با عنوان «گستره شناسی مشروعیت تولیت و توکیل با محوریت این دو در قضا» به این بحث رسیدگی کردیم.<sup>۹</sup>

#### اخذ اجرت بر اقامه

بیان صاحب جواهر در این پیوند این است:

«و مثله البحث في الاقامة ، بل اولی منه بعدم الجواز مطلقا ؛ لانه لا کلفة فيها بمراعاة الوقت بخلاف الاذان كما وقع من الفاضل کی یرد علیه: انه لا يعتبر في العمل المستاجر عليه وجود الكلفة فيه، بل لما عرفت من ظهور الادلة في ارادة المباشرة و انها كخطاب الصلاة»<sup>۱۰</sup>.

۸. جواهر الکلام ، (ج ق)، ج ۲۷، ص ۳۷۷ و ۳۷۸.

۹. ر.ک: a.alidoost.ir ، فقه القضاء مساله ۱۱ ، سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰. جلسه ۷۷-۹۱.

۱۰. جواهر الکلام (ج ج)، ج ۹، ص ۱۲۳.